



هیچ کس به اندازه ایشان کتاب‌های خطی و نسخ کمیاب و منحصر به فرد فارسی را ندیده و لمس نکرده باشد^{۱۴} و شاید تعداد کلماتی که ایشان مرور کرده یا نوشته‌اند با تعداد

نشر دانش در مرکز نشر دانشگاهی با نظر این هیجمدان موافق بودند.
۱۴. این نظر مورد تأیید آقایان کریم اصفهانیان و سیدفرید قاسمی که شناختی از استاد ایرج افشار و انبوه آثار ایشان دارند نیز هست.

ضربان قلب پرمهرش طی ۸۵ سال زندگی پربار و برکتش (۳۱۲۷۳۲۰۰۰۰=۳۱۲۷۳۲×۳۶۵×۲۴×۶۰×۷۰) تناسبی نزدیک داشته باشد. روانش شاد و به همان تعداد بر ارواح پاک روان شادان استاد ایرج افشار، پدر، مادر، همسر و فرزند ایشان درود باد.



به یاد روان شاد ایرج افشار

عبدالعلی ادیب برومند*



رسید، از نوع آثاری بود که بایستی از زاویه انزوا به در آمده، منتشر می‌گردید و آن رادمرد شریف از تحمل زحمت‌های فراوان در چاپ و نشر این کتاب‌ها روگردان نبود. سرپرستی و انتشار چند دوره مجلات/ینده و راهنمای کتاب و چندین جلد فرهنگ/یران زمین و مقالات گوناگون درباره ایران‌شناسی از کارهای پر ارج و مقداری است که این مرد بافضیلت به انجام رسانده و هر یک یادگار گرانبهایی است از دوران زندگی دانشمندی که با توجه به تحرکات و اقدامات خردمندانه دیگر هنر خوب زیستن را به دیگران تعلیم می‌داد: تشکیل انجمن‌های تحقیقی و دعوت از پژوهشگران و ادیبان کشور به شرکت درین گردهم‌آیی در اصفهان و کرمان و یکی دو استان دیگر از جمله اقدامات سودمندی است که به همت این ایران‌شناس گرانقدر سامان می‌گرفت و عده‌ای را به تحقیق در زمینه‌های گوناگون فرهنگی و باز نمودن آنها در این جلسه‌های پژوهشی برمی‌انگیخت.

ارتباط ایرج افشار با ایران‌شناسان بیگانه مایه انگیزش بیشتر آنان به این کار و موجب علاقه افزون‌تر خودش به ایران‌شناسی بود که از گونه اقدامات وطن‌خواهانه او به شمار می‌رود و در خور انکار نیست. من با اظهار تأسف و اندوه بی‌کران درگذشت این دوست بزرگوار را به جامعه فرهنگی کشور و بازماندگان آن روانشاد تسلیت می‌گویم و شادی روح و آمرزش او را از خداوند بخشایشگر خواستارم.

نخستین بار که با روان شاد ایرج افشار آشنا شدم، در سال ۱۳۴۲ در خانه زنده‌یاد الهیار صالح بود که مورد ارادت خاص این بنده و ایرج افشار قرار داشت. پیش از این با پدر آن روان شاد آشنایی و دوستی داشتم و به حکم دلبستگی بسیاری که مرحوم محمود افشار، رحمة الله علیه، به شعر و ادب داشت، لطفی در خور سپاس نسبت به نگارنده پیدا کرده، گاه تنها و گاه با مرحوم الهیار صالح مرا در خانه سرفراز می‌فرمود و با شعرخوانی متقابل و مشورت‌های ادبی و حقوقی یکی دو ساعت می‌گذشت. او از میهن‌دوستان راستین بود که به فرهنگ ملی علاقه وافر داشت و در کارهای خیر بسی فراخ‌دست می‌نمود. بعد، دوستی نگارنده با ایرج افشار در تمام مدت زندگانی آن زنده‌یاد ادامه داشت و پیوندم با مجله/ینده و رفاقتم با ایرج افشار قطع نشد. آنچه از او به یاد دارم خاطرات خوب، مهربانی، اخلاق انسانی و درست‌رفتاری است.

ایرج افشار از جمله ایران‌دوستان عامل به نیت وطن‌خواهانه خود بود که عملاً میهن‌دوستی خود را به ثبوت می‌رسانید و در این باره از کوشندگی‌های نمایانی که داشت دست‌بردار نبود.

وی با شوق و ذوق فراوان در درون و بیرون کشور این سو و آن سو می‌گشت تا پاره‌ای از آثار باستانی یا به نحوی جالب توجه این مرز و بوم را بشناسد و به گونه‌ای آنها را یادداشت و مطرح کند یا یافته‌های دیگران را ارج نهد و از دستبرد فراموشی برهاند. بسیاری از کتاب‌ها که با کوشش و معرفی او به چاپ

* شاعر و مصحح نسخ خطی

